



چالش‌های فراوی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در حقوق کیفری ایران و مقایسه آن با حقوق کیفری انگلستان

* ارسلان جمادی** محمود مالمیر*** مسعود حیدری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۵

چکیده

از زمان پذیرش اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و دادرسی در حقوق کیفری، قانونگذاران در راستای تکالیف ناشی از رعایت این اصل مهم بنیادین، وظایف و اختیارات نهادهای رسیدگی‌کننده به جرم از جمله ضابطین دادگستری به عنوان نهاد کشف جرم را در قوانین خود تعیین می‌نمایند. اصل قانونی بودن تشریفات رسیدگی، نهاد کشف جرم را مکلف می‌نماید تا در انجام وظایف مرتبط با مرحله کشف و پیشگیری از وقوع جرم صرفاً در چارچوب مقررات قانونی عمل نموده و به هیچ‌وجه از حیطه وظایف و اختیارات قانونی محوله تجاوز ننماید. ضمانت اجرای عدم رعایت ضوابط قانونی از سوی این نهادها، مسئولیت کیفری یا مدنی و یا هر دو آن‌ها است، که بستگی به اعمال مجرمانه و زیان‌بار این نهاد دارد. بدین ترتیب، آن دسته از ماموران که در مقام ضابط دادگستری ایفای وظیفه می‌نمایند، همواره در معرض مسئولیت مدنی ناشی از هر گونه اعمال زیان‌بار خود بوده و از این بابت نیز بیمه مسوولیت می‌شوند تا در صورت محکومیت، جبران خسارت در جرایم غیرعمدی، بر عهده بیمه مربوطه قرار گیرد. در حقوق کیفری ایران، مامورین موضوع قانون بکارگیری سلاح در دوازده مورد مجاز به استفاده از سلاح گرم هستند، ولی در حقوق انگلستان فقط در مواردی که جان افراد پلیس یا شهروندان در خطر است، پلیس می‌تواند از زور و در نهایت، سلاح گرم در مقام ناچاری استفاده نماید. در عین حال، چنانچه مامور رفتاری مطابق قانون داشته باشد و لیکن شخص یا اشخاصی مقتول یا مجروح گردیده و یا خسارت مالی به آنان وارد شده باشد، مسئولیت جبران خسارت در حقوق هر دو کشور ایران و انگلستان، به عهده سازمان مربوطه خواهد بود. لیکن در حقوق کیفری ایران، آنجایی که بار مسئولیت بر عهده اشخاص حقوقی قرار می‌گیرد، استفاده قانونگذار از واژه‌های «بی‌گناه، مقصر و

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

** عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران نویسنده مسئول. dr.malmir1@gmail.com

** عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲۸۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

دادگاه صالحه» موجب شده است تا پرداخت دیه به زیان‌دیدگان و جبران خسارت از آنها در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته و در بسیاری از موارد، برخلاف قاعده «لا یبطل دم امرء مسلم»، خون اشخاص بی‌گناه که سهم کمی در تقصیر یا گناه دارند، در معرض تعدی قرار گیرد. اما در حقوق انگلستان که موارد مجاز تیراندازی محدود می‌باشد، با چنین چالشی مواجه نیستیم.

واژگان کلیدی: اشخاص حقوقی، مسئولیت مدنی، تقصیر، دیه، گناه، موانع مسئولیت.

مقدمه

با قاطعیت از لحاظ علمی و فنی می‌توان بیان داشت، مهمترین اقدامی که در حفظ نظم و امنیت جامعه تأثیر دارد، حفظ آن به طور مستقیم و فوری و از طریق اجرای قانون است و این وظیفه خطیر بر عهده ماموران مسلح کشور، به خصوص نیروی انتظامی در حقوق ایران و پلیس در حقوق انگلستان است. به دلیل فوریت امر و ماهیت ماموریت‌های پلیسی و عدم فرصت کافی جهت بررسی جوانب تصمیم اتخاذ شده، امکان دقت لازم در این قبیل ماموریت‌ها تعدیل می‌شود، بنابراین خطاپذیری اقدامات پلیس و به تبع آن، حوادث زیان‌بار ناشی از اعمال آنها، امری محتمل است. در پاره‌ای از حرفه‌ها، مانند شغل پلیسی، به دلیل اهمیت شغل و ارزش‌های در خطر، مسوولیت، چهره‌ی ویژه‌ای به خود می‌گیرد و از حدود قواعد عمومی فراتر می‌رود. به این جهت، امروزه پرونده‌های متعددی در خصوص مسئولیت مدنی ضابطین در محاکم ایران تشکیل شده، ولی برای تعیین مسئولیت مدنی آنها، رویه واحد و مشخصی حاکم نمی‌باشد. بعضاً، احکام صادره بدون توجه به مبانی و قواعد مسئولیت مدنی در این مورد صادر می‌شود. به عنوان مثال، عدم توجه به اخطار پلیس توسط راننده خودروهایی که به آنها مشکوک شده‌اند، قاعده اقدام تلقی شده و مامورین را در پرداخت دیه و جبران خسارت تبرئه می‌نمایند. به طور مسلم، در چنین وضعیتی که توأم با ابهام و بلا تکلیفی است، اهداف مورد نظر از مسئولیت مدنی پلیس در حقوق ایران به درستی محقق نخواهد شد. به عنوان مثال، با ابهامی که در قانون وجود دارد، در موادی مانند ۱۳ قانون بکارگیری سلاح و ۶۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، استفاده از واژه «بی‌گناه» که بیشتر بار اخلاقی دارد تا حقوقی، موجب شده است تا کوچکترین تخطی زیان‌دیده از مقررات را گناه تلقی نموده و از جبران خسارت شهروندان در مقابل پلیس شانه خالی کنند. این در حالی است که در حقوق انگلستان هم تیراندازی افسران پلیس قاعده‌مند بوده و هم جبران خسارت از زیان‌دیده به وضوح مشخص شده است. بر این اساس، همه ساله در اثر اقدامات کارکنان نیروی انتظامی در مقام ضابطان عام دادگستری نتایج زیان‌بار مختلفی اعم از قتل، جرح و خسارات مالی ایجاد می‌شود که در نتیجه، منجر به اقامه دعوی علیه سازمان ناجا و کارکنان ناجا شده است و در بعضی موارد، سازمان ناجا و یا کارکنان آن به پرداخت دیه و

_____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ❖
کارکنان بعضاً به مجازات تعزیری و یا قصاص محکوم شده‌اند.

اقامه دعوی مسئولیت مدنی علیه مامورین پلیس و متعاقب آن صدور حکم محکومیت قضایی و الزام آنان به پرداخت خسارات وارده و یا اجرای حکم، آثار و تبعات زیان‌بار و منفی غیرقابل جبران برای سازمان یا خود کارکنان و خانواده‌های آنان به همراه دارد. لذا، بایسته و شایسته است تدابیر خاصی در جهت کاهش حوادث زیان‌بار در راستای رفتارهایی که سوءنیتی در آن مشهود نیست، اندیشیده شود. در همین راستا، ضرورت دارد با انجام تحقیقات علمی، ابعاد این موضوع مورد بررسی و تبیین قرار گیرد و بر اساس نتایج به دست آمده و مقایسه آن با حقوق انگلستان، تدابیر و برنامه‌های مناسب در جهت کاهش اعمال زیان‌بار ضابطین با توجه به بازنگری در قوانین و احصاء نقاط ضعف و تبدیل آن به نقاط قوت ارائه گردد.

۱. مقررات ناظر بر مسوولیت مدنی پلیس در استفاده از سلاح گرم

پلیس هر کشور مسوول تأمین نظم و امنیت شهروندان آن کشور می‌باشد. مخاطبان اقدامات پلیسی هم شهروندان قانون‌گرا هستند و هم شهروندان قانون‌گریز؛ به عبارتی، پلیس مکلف است که به جهت تأمین امنیت و نظم عمومی جامعه و حمایت از شهروندان قانون‌گرا با استفاده از قدرتی که دولت به او داده است، در مقابل شهروندان قانون‌گریز بایستد. قطعاً، با توجه به مقرراتی که در این خصوص وضع شده است، در مواردی لازم است تا پلیس از سلاح گرم، در جهت اجرای خط و مشی سیاست جنایی کشور خود استفاده نماید. چنانچه پلیس با اقدامات خود موجب ورود خسارت به شهروندان گردد، با اثبات تقصیر پلیس در اجرای قانون، مسوولیت جبران ضرر و زیان وارده بر عهده او خواهد بود. اما چنانچه پلیس تخطی از مقررات ننموده باشد و فرد یا افراد بی‌گناهی مقتول یا مجروح گردیده و یا خسارت مالی به آنها وارد شده باشد، بار مسوولیت مدنی بر عهده سازمان پلیس مستقر خواهد شد.

۱-۱. مسوولیت مدنی ناشی از انجام دادن فعل در ماموریت‌های پلیس

وقتی پلیس در اجرای وظایف خود، فعلی را انجام می‌دهد و این فعل اگر با تقصیر همراه باشد و مستقیماً باعث زیان و خسارت گردد، او در مقابل زیان‌دیده، به عنوان مباشر، مسوولیت داشته و مکلف به جبران خسارت است. به عبارتی، شخصی که فعل همراه با تقصیر او بلاواسطه موجب خسارت به دیگری شده است، مسئول می‌باشد. در مفهوم مخالف جمله فوق، اگر ضابط در انجام دادن ماموریت و انجام فعل مقصر نباشد، مسوولیت بر عهده مقصر می‌باشد. در نظام حقوقی ایران و انگلستان، چنانچه ماموران پلیس برابر مقررات عمل نموده باشند و شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول یا مجروح شده یا دچار خسارت مالی شده باشند، مسوولیت جبران خسارت بر

۲۸۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم و دوم، زمستان ۱۳۹۷
عاهده دولت مستقر می‌شود. همچنین، اگر به امر قانونی، شخصی آسیب دیده و یا خسارت مالی به او وارد شود و اشتباه پلیس در تشخیص قانونی بودن دستور امر از نظر دادگاه پذیرفته شود، فقط مسوولیت مدنی متوجه مامور خواهد بود و مسوولیت کیفری ناشی از اقدام پلیس به عهده فرمانده دستوردهنده خواهد بود.

۱-۲. مسوولیت مدنی ناشی از ترک فعل در ماموریت‌های پلیسی

برخی از مواقع، ترک فعل به صورت بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی، موجب زیان و خسارت می‌گردد و به عبارتی بهتر، اگر این ترک فعل انجام نمی‌شد، اصلاً خسارتی نیز به بار نمی‌آمد؛ مانند این که پلیس در هنگام آزمایش سلاح مبنی بر مسلح نبودن، بی‌احتیاطی کرده و موجب شلیک تیر گردد. این موارد که در حقوق ایران به علت ضعف آموزش صورت می‌گیرد، ممکن است در عین حال منجر به کشته و یا زخمی شدن فرد بی‌گناهی نیز بشود و یا این که باعث خسارت به اموال گردد. ارتکاب چنین رفتاری علاوه بر مسوولیت کیفری، می‌تواند مسوولیت مدنی از بابت جبران خسارت را نیز به همراه داشته باشد. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، در کشور ما به علت فرسوده و یا معیوب بودن سلاح، ممکن است در ماموریت‌ها آسیبی به دیگران و یا خود مامور برسد، که در این صورت مسوولیت مدنی بر عهده دولت قرار خواهد گرفت.

۱-۳. قلمرو مسوولیت مدنی ناشی از تیراندازی‌های پلیس

مسوولیت مدنی به دو گونه مسوولیت قراردادی و مسوولیت قهری تقسیم می‌شود. مسوولیت قراردادی در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی ناشی می‌شود. آنچه که در تیراندازی‌های پلیس مصداق دارد، مسوولیت قهری می‌باشد. مسوولیت قهری یا خارج از قرارداد وقتی بوجود می‌آید که شخص به تکالیف قانونی خود عمل ننماید و به دیگری خسارت وارد آورد. در این مسوولیت، هیچگونه قراردادی بین افراد وجود ندارد تا تخلف از آن موجب مسوولیت گردد، بلکه قانون تکالیفی را برای افراد مقرر می‌نماید تا همه مردم بر اساس آن عمل نمایند. مثلاً اگر افراد بی‌احتیاطی نموده و خسارتی وارد نمایند، مسؤل شناخته می‌شوند. در این نوع مسوولیت، اجرای مفاد قرارداد و احترام به اراده اشخاص مطرح نیست. نظم عمومی ایجاب می‌کند که قانون، شخصی را که بطور نامشروع به دیگری ضرر زده است، مسؤل بشناسد (کاتوزیان، ۱۳۸۷). مسوولیت‌های شغلی پلیس در ارتباط با حفظ نظم و امنیت جامعه، مسبوق به وجود قراردادی میان شهروندان و پلیس نیست تا امکان استناد به مسوولیت مدنی قراردادی وجود داشته باشد.

چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ❖

۱-۴. مبانی و منابع مسئولیت مدنی

در حال حاضر، قانونگذار کشور ما در خصوص تدوین قواعد مسوولیت مدنی، قواعد اسلامی و قواعد اقتباس شده از غرب را با هم آمیخته است. اصطلاح و عنوان‌هایی مانند غصب، اتلاف و تسبیب و قواعد لا ضرر، ضمان ید، استیمان و ... اساس کار را تشکیل داده و از اصطلاحات و راه‌حل‌های نوین و نوظهور کنونی و لزوم تقصیر برای ایجاد مسوولیت مدنی نامی برده نشده است. «در حقوق انگلیس و آمریکا از نیمه تا اواخر قرن نوزدهم، پرورش فکر تقصیر، به عنوان مبنای مسوولیت مدنی ادامه داشت. در این دوران، همه پذیرفته بودند که مسوولیت بدون تقصیر به وجود نمی‌آید و کاری ضمان‌آور است که زیننده شهروند خوب نیست». (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۸۰)

قاعده تسبیب یکی از مهمترین مباحث مربوط به حوزه مسئولیت مدنی در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی دیگر است. «اگرچه در ملاک‌های تشخیص سببیت اختلاف نظر وجود دارد، اما این قاعده کلی که هرکس سبب ورود زیان به دیگری باشد، مسئول جبران زیان است، قاعده عمومی و فراگیر است.» (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۱۳)

حقوق ایران نیز همانند نظام‌های حقوقی دیگر قاعده سببیت را در دو حالت اتلاف و تسبیب پذیرفته است. در اتلاف، شخص بدون واسطه و به طور مستقیم سبب تلف شدن را موجب می‌شود. به عبارتی، اتلاف به شخص نسبت داده می‌شود. در تسبیب، ضرر و زیان به واسطه‌ی عامل دیگری و به طور غیرمستقیم وارد می‌شود. به عبارتی، تسبیب به فعل شخص نسبت داده می‌شود. «نظر بیشتر حقوقدانان این است که در حالت اتلاف، مسئولیت بدون احراز تقصیر و صرفاً با اثبات وجود رابطه بین عمل و زیان به وجود می‌آید. بنابراین، اگر کسی با اعضای بدن خود یا حتی با تیراندازی خسارتی را به اموال دیگری وارد کند، مسئول خواهد بود، حتی اگر تقصیر نداشته باشد. این حالت با نظریه خطر مقایسه می‌شود. در مقابل، در حالت تسبیب نظر غالب آن است که تحقق مسئولیت مشروط به تقصیر سبب (عامل) می‌باشد. این حالت با نظریه تقصیر مقایسه می‌شود.» (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۱۴)

ماده ۳۰۷ قانون مدنی عناوین ضمان قهری را به اتلاف، غصب، تسبیب و استیفاء اختصاص داده است. اقدامات پلیس در سه مصداق اول یعنی غصب و اتلاف و تسبیب معمولاً رخ می‌دهد، اما استیفاء که چهره‌ای ویژه از مسئولیت است، موضوعیت نمی‌یابد. بر این اساس، منابع مسئولیت مدنی پلیس را در سه بخش تسبیب، اتلاف و غصب می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. در باب مسوولیت مدنی، دو نظریه تقصیر و خطر مطرح است. پاره‌ای از نویسندگان بر این باورند که مسوولیت مقصر در برابر جبران ضرر و زیان ناشی از تقصیر، در زمره‌ی داورهای عقل و نتیجه طبیعی امور است. «به نظر ریپر، استاد فرانسوی، مقاومتی که

۲۸۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷
نظر اندیشمندان و رویه قضایی نسبت به عمومی کردن نظریه خطر از خود نشان می‌دهد، این نکته را ثابت می‌کند که مسوولیت مدنی در حقوق ما وسیله فنی برای تضمین مسوولیت اخلاقی است». (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۸۲) در عین حال، مبنای مسوولیت مدنی پلیس در تیراندازی‌های خود می‌تواند هم بر مبنای مسوولیت اخلاقی و هم بر مبنای نظریه تقصیر و تضمین حق و هم مسوولیت ناشی از خطری که پلیس در استفاده از سلاح گرم علیه شهروندان به کار گرفته است، توجیه‌پذیر باشد.

۱-۶. موارد معافیت پلیس از مسوولیت مدنی ناشی از تیراندازی

آنچه که می‌توان گفت باعث قطع رابطه تسبیب بین رفتار زیانبار و نتیجه آن و در نهایت، معافیت پلیس در تیراندازی‌ها می‌گردد، عبارت است از: قاعده تحذیر، قاعده اضطرار، قاعده احسان، قاعده اقدام (پذیرش خطر توسط زیان‌دیده)، فعل شخص ثالث و تقصیر مشترک زیان‌دیده. در مسوولیت مدنی، پیشگیری و بازدارندگی فردی، زمانی که حیثیت حرفه‌ای و شغلی شخص در معرض خطر است، مسلماً تاثیرگذار خواهد بود (داراب‌پور، ۱۳۸۷). در خصوص اعمال خطرناکی مانند تیراندازی باید قاعده‌مند و با احتیاط کامل عمل کرد. پلیس که وظیفه مهم تأمین نظم و امنیت را به عهده دارد، می‌بایست در برابر خطرات ناشی از وظایف خود حمایت شود و همیشه مسوولیت را بر عهده او قرار ندهیم. اگر پلیس مطابق قانون عمل نموده باشد، مسوولیتی بر عهده وی نیست.

۱-۶-۱. قاعده تحذیر در تیراندازی‌های پلیس

بر اساس حدیثی که امام صادق (ع) از حضرت علی (ع) نقل می‌فرماید: «قَدْ أَعَذَرَ مَنْ حَذَرَ» یعنی کسی که هشدار داده است، معذور است و مسئول نیست. مسوولیتی متوجه فردی که از قبل هشدار داده است، نخواهد بود. به عبارتی، اگر کسی بخواهد کار مباحی را انجام دهد که از قبل آن کار ضرر و خطر محتمل متوجه افراد می‌گردد، چنانچه آن شخص پیش از اقدام به آن کار، هشدار لازم را به نحوی که فرد در معرض خطر متوجه آن هشدار گردد، به او بدهد و او بدون توجه به هشدار آن شخص، خود را در معرض خطر قرار دهد و ضرر و زبانی از این بابت متوجه او گردد، هشداردهنده هیچگونه ضمانتی متوجه او نیست. (محقق داماد، ۱۳۸۶)
از اطلاق روایت «قد اعذر من حذر» این طور برداشت می‌گردد که هرکس هشدار داده باشد، معذور بوده و هیچگونه مسوولیتی اعم از کیفری و مدنی متوجه او نیست؛ مشروط بر این که انجام کاری را که به عهده گرفته است، مشروع و قانونی باشد. «این قاعده با کارکرد بسیار حساس و پیشگیرانه آن، قلمرو بسیار گسترده و مصادیقی غیرقابل احصا دارد. به طوری که در هر

_____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ❖
موقعیت زمانی و مکانی که زمینه یا احتمال خطر و تهدید برای سلامتی، جان یا مال انسان در
آن وجود داشته باشد، کاربرد دارد.» (عبدالهی، ۱۳۹۵: ۴۵)

در خصوص موضوع تیراندازی مامورین و قاعده تحذیر، می‌بایست سه شرط رعایت گردد:
نخست آنکه مامور با وسیله مناسبی به طرف مقابل هشدار دهد و او را از خطری که متوجه
اوست، آگاه کند. در این خصوص، هشدارهایی مانند دستور ایست با صدای بلند یا بلندگو،
استفاده از ابزارهای مخصوص هشدار مانند تابلوهای هشداردهنده، تیراندازی هوایی، آژیر خودرو
و نیز چراغ زدن در شب و چراغ‌گردان و تابلوی ایست و ... از علائم هشداردهنده به شمار
می‌آیند. این علائم با توجه به وضعیت و زمان و مکان، قابل استفاده در مورد قاعده تعزیر
خواهند بود. لازم به ذکر است که این هشدارها می‌بایست در حد متعارف باشد، مثلاً یک بار
دستور ایست یا یک تیراندازی هوایی کفایت نمی‌کند و مامور می‌بایست چندین بار دستور ایست
داده و حد اقل سه تیر هوایی شلیک کند.

دوم این که طرف مقابل می‌بایست از وجود علائم هشداردهنده مطلع شود، مثلاً دستور
ایست و توقف را به وضوح بشنود. به عبارتی، علائم هشداردهنده باید جهت جلب توجه فرد مورد
هشدار، کافی باشد و مامور می‌بایست در دادگاه اثبات نماید که طرف مقابل متوجه هشدارهای او
شده است. به عبارتی، بار اثبات این که طرف مقابل متوجه هشدارهای مامور شده است، به
عهده مامور بوده و اگر نتواند این موضوع را به اثبات برساند، مسئولیت او منتفی نخواهد بود.
«اگر طرف مقابل ناشنوا بوده و یا به علت دیگری مثل بلند بودن صداهای دیگر در محیط و یا
بلند بودن صدای ضبط خودرو، هشدار مامور به طرف مقابل نرسد، مسئولیت مامور منتفی
نخواهد بود.» (حسینی، ۱۳۹۴: ۶۸)

در مقررات موضوعه، تحذیر به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت مدنی مطرح نگردیده،
ولی علت تاثیر آن در رفع مسئولیت، قطع رابطه سببیت یا علیت بین فعل یا ترک فعل زیان‌بار و
خسارت می‌باشد. تحذیر که معنای فارسی آن هشدار می‌باشد، می‌تواند شنیداری یا دیداری باشد.
پس اگر هنگام ماموریت‌های ضابطین قبل از این که منجر به خسارت شود، هشدارها و
اخطارهای مکفی داده شده باشد، افرادی که علی‌رغم فرصت و امکان اجتناب و دوری از حادثه
و یا تمکین به دستور ضابطین، در آن ماموریت دچار خسارت شوند، در این صورت، ضابط به
عنوان عامل زیان فاقد مسئولیت است.

۱-۶-۲. قاعده اضطرار و دفاع مشروع در تیراندازی‌های پلیس

قاعده اضطرار به صورت ضمنی در ماده ۲۰۶ قانون مدنی و ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی
بیان گردیده و اضطرار وضع کسی است که جز با صدمه زدن به جسم یا مال یا حق دیگری

۲۹۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷
نمی‌تواند از خطری که او را تهدید می‌کند، بپرهیزد و در این اضرار ناچار است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲)
بدون تردید اضطرار، وصف تقصیر را از فعل زیانبار زدوده، اقدامی را که در وضعیت عادی،
نامشروع و حرام است، مشروح و مباح می‌سازد. اضطرار از جهت رفع مسئولیت مدنی به معنی
فرار از حادثه زیان‌بارتر که دیگری ایجاد نموده، به حادثه با زیان کمتر می‌باشد. طبق ماده ۱۵۶
قانون مجازات اسلامی در اضطرار و دفاع مشروع باید رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر
ضرورت داشته باشد. دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد و خطر و تجاوز به سبب
اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. به عنوان نمونه، اگر ضابط
به علت شرایطی که مجرم ایجاد نموده، ناگزیر شود از حادثه بزرگ‌تر جلوگیری نماید، در این
صورت، ضابط مسئولیتی ندارد، بلکه مسئولیت متوجه مجرم است که موجب اضطرار پلیس شده
است. یکی از عوامل رافع مسئولیت مدنی، دفاع مشروع در مقابل رفتار متجاوز می‌باشد که در
مواد ۱۵۶ الی ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به صراحت آورده شده است. علت رفع
مسئولیت در این مورد بنا به نظر برخی از حقوقدانان آن است که مرتکب دست به کاری می‌زند
که هر انسان متعارفی آن را انجام می‌دهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۲)

در دفاع مشروع باید ۵ مورد رعایت شود: ۱- وجود خطری که حال یا قریب‌الوقوع باشد و
مال، جان و یا عرض شخص مدافع یا دیگری را تهدید کند. ۲- تجاوز و حمله باید نامشروع
باشد. ۳- دفاع‌کننده امکان کمک گرفتن از قوای انتظامی یا سایرین را نداشته باشد. ۴- دفاع
باید متناسب با حمله باشد و از حد لازم تجاوز ننماید. ۵- در دفاع از دیگری باید شخصی که
مورد حمله واقع شده، خود از دفاع ناتوان بوده و تقاضای کمک نماید و یا نیاز به کمک داشته
باشد، ولی امکان استمداد نداشته باشد.

۱-۶-۳. قاعده احسان و اجرای دستورات قضایی در تیراندازی‌های پلیس

قاعده احسان در ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است که از شروط آن، با
وحدت ملاکی که از قاعده اضطرار در ماده ۱۵۲ قانون اخیرالذکر اخذ می‌شود، این است که
ضابط خطر را عمداً ایجاد نکرده باشد و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن
ضرورت داشته باشد و هرگاه ضابط با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت
حفظ مال، جان، عرض، یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا
خسارت شود، در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی ضامن نیست. همچنین مطابق
ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، اگر پلیس دستورات مقام قضایی که صلاحیت اجرای آن را
دارد را با حسن نیت اجرا نماید و بعداً معلوم گردد که دستور مذکور اشتباه یا نادرست بوده و پلیس
از آن مطلع نبوده، فاقد مسئولیت مدنی است. به عنوان نمونه، اگر بازپرسی برخلاف قانون دستور

_____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ❖
جلب و بازداشت فردی را صادر نموده باشد یا دستور ورود به منزل فردی و یا توقیف خودروی
سرقتی را اشتباهی صادر نموده باشد، مامور که مطابق قانون عمل نموده باشد، مسوولیتی ندارد.

۱-۶-۴. قاعده اقدام و پذیرش خطر در تیراندازی‌های پلیس

یکی از موجبات تبرئه پلیس در ضمان، اقدام خود شخص است. بنابراین، کسی که با مشاهده پلیس و دستور تسلیم و هشدار و سپس مشاهده شلیک تیر هوایی همچنان مقاومت نموده و در حضور پلیس اقدام به تخریب و تهدید و یا حمله به پلیس نماید و یا اقدامی انجام دهد که دیگران را در معرض خطر قرار دهد، خود را در معرض هلاکت قرار داده است. مطابق قاعده فقهی اقدام «الاقدام مسقط الضمان»، هرکس علیه خود اقدام کند، ضمانی از این بابت متوجه دیگران نیست و خود نتیجه اقدامش را قبول نموده است. به عنوان مثال، شخصی که بدون دریافت عوض، مالش را در معرض تلف قرار دهد، مسئولیت دیگران نسبت به آن مال ساقط می‌شود. به عبارتی، مالک نمی‌تواند وقتی که خودش موجبات تلف مال خود را فراهم آورده است، انتظار جبران خسارت از دیگران را داشته باشد. اقدام می‌تواند به واسطه فعل و یا ترک فعل شخص واقع شود. در این که فعل مثبت مشمول قاعده اقدام می‌شود، شکی وجود ندارد، اما درخصوص شمول قاعده بر ترک فعل یا فعل منفی اختلاف نظر وجود دارد. «این قاعده می‌تواند یکی از مبانی قاعده کاهش خسارت در فقه قرار بگیرد. به عبارت دیگر، زیان‌دیده می‌بایست برای جلوگیری از ورود ضرر به خویش، کوشش‌های لازم را معمول دارد و با اقدامات متعارف خود، میزان خسارت وارده را به حداقل برساند و در صورتی که موفق به انجام چنین اقدامی نشود، کسی جز خودش مسئول خسارات وارده نخواهد بود.» (میرشکاری، ۱۳۹۳: ۴۳)

مسئولیت و ضمان در فقه به خاطر احترام به مالکیت خصوصی و اموال اشخاص به وجود آمده است و هرگاه شخص با رضایت خود، احترام مال و جان خود را از بین ببرد، ضمان نیز منتفی می‌شود (نقیبی و شیروانی، ۱۳۹۵). قاعده اقدام در حقوق ایران با قاعده پذیرش خطر در حقوق انگلیس با اندک تفاوتی مشابه است. پذیرش خطر به این معناست که اگر کسی عمداً خطری را قبول کند، به ضرر خود اقدام نموده است و با این وصف مستحق دریافت خسارت از دیگری نمی‌باشد. در قاعده پذیرش خطر، خواننده ادعا می‌کند که خواهان از خطری که موجب ایجاد خسارت شده است، آگاه بوده و این خطر را آگاهانه پذیرفته است و اگر این ادعا به وسیله دادگاه پذیرفته شود، خواننده از جبران خسارت معاف می‌گردد (Stuhmcke, ۲۰۰۱: ۷۱). در حقوق انگلستان، پذیرش خطر یک دفاع تمام عیار است؛ به عبارتی، اگر این دفاع در دادگاه پذیرفته شود، خواننده به طور کامل از جبران خسارت معاف خواهد شد. (Stephenson, ۲۰۰۲)

۲۹۲..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

۱-۶-۵. فعل شخص ثالث

اگر متهمی در جرایم مشهود تحت تعقیب قرار گیرد و به صورت ناگهانی وسیله نقلیه خود را متوقف نماید که با این رفتار باعث تصادف خودرو پلیس با فرد عابر پیاده یا موتور سوار به عنوان زیان‌دیده گردد، در این صورت، رفتار متهم فراری تحت عنوان فعل شخص ثالث رافع مسئولیت مدنی پلیس و احراز مسئولیت خود در مقابل زیان‌دیده می‌باشد. بنابراین، با تحلیل مثال فوق به جهت رفع مسئولیت پلیس به دلیل رفتار غیر درمی‌یابیم که باید فعل غیر، خطا و غیرمجاز باشد. به عبارتی، چنانچه رابطه سببیت بین فعل پلیس و ورود ضرر فاصله بیندازد، مسئولیت به عهده سبب عدوانی خواهد بود.

۱-۶-۶. تقصیر مشترک زیان‌دیده

تقصیر مشترک زیان‌دیده در حادثه زیان‌بار تحت دو عنوان سبب یا مباشر اشتراکی قابل تصور است و تقسیم یا تحمیل مسئولیت به یکی از آنها حسب مورد بر اساس میزان تأثیری که در حادثه دارند، تعیین می‌گردد. (وروایی و عباسلو، ۱۳۹۴: ۱۲۷) به عنوان نمونه، اگر زیان‌دیده با وجود اخطارهای پلیس توجهی ننموده و به حرکت خود با اقدامات مخاطره‌آمیز ادامه دهد و پلیس در مقام ناچاری اقدام به کاربرد سلاح گرم نماید و راننده در اثر اصابت تیر، فوت نماید و بعداً مشخص شود پلیس نیز از تبحر کافی در تیراندازی برخوردار نبوده است، مسئولیت مدنی بر اساس میزان تقصیر زیان‌دیده و مامور قابل تقسیم خواهد بود. این نوع از مسئولیت بر اساس قانون بکارگیری سلاح در حقوق ایران آنچنان کاربردی ندارد و در کمتر پرونده‌ای دادگاه‌ها به این شکل عمل نموده‌اند. برعکس، در نظام حقوقی کامن‌لا در اولین پرونده‌ای که از این مفهوم حقوقی استفاده شد، پرونده انگلیسی در خصوص دعوی میان باترفیلد و فورستر در سال ۱۸۰۹ بود. این قاعده ممکن است یک دفاع کامل محسوب گردیده، در صورتی که خوانده بتواند اثبات نماید که اقدام خواهان وقوع حادثه زیان‌بار را برای پلیس اجتناب‌ناپذیر نموده است و اگر این امر اثبات نشود و بر مبنای تقصیر مشترک عمل شود، یک دفاع ناقص محسوب گردیده و بر اساس آن، مسئولیت خوانده به میزان تقصیر خواهان تخفیف می‌یابد.

۱-۶-۷. امر آمر قانونی

در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، صرفاً از جرم نبودن و در نتیجه، عدم مسئولیت کیفری ماموران دولت در اجرای دستورات قانونی مقامات مافوق خود سخن گفته است. با این حال، به روشنی فرض عدم مسئولیت مدنی ضابطین نیز از این ماده قانونی قابل نتیجه‌گیری است و این گفته را می‌توان از ماده ۴۱ قانون جرائم نیروهای مسلح و ماده ۱۲ قانون بکارگیری سلاح

_____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ❖
استنباط نمود. ضابط اگر در اجرای دستورات مافوق خود اقدامی غیرقانونی انجام دهد و از اقدامات آن ضرری به غیر وارد شود، در هر صورت نسبت به خسارات ناشی از اجرای دستورات غیرقانونی مقامات مافوق خود مسئولیت مدنی خواهند داشت.
برابر ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:
الف) در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد.
ب) در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.
پ) در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی‌صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد.

ت) اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر این که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.

به عبارت آخری، حسب ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲:
«هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه بر عهده بیت‌المال است.» این ماده ناظر به مواردی است که آمر و مأمور موافق مقررات مرتکب رفتاری شده باشند و آن رفتار سبب فوت یا صدمه به کسی شده باشد، که در این صورت از مجازات معاف خواهند بود.

۲. مسئولیت مدنی ناشی از تیراندازی‌های پلیس ایران

بر اساس قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸، علاوه بر مأمورین نظامی و انتظامی، مأمورین مسلح وزارت اطلاعات در اجرای وظایف محوله قانونی مجاز به حمل و بکارگیری سلاح گرم هستند. همچنین، مطابق ماده ۱ آن قانون، «مأمورین مسلح موضوع این قانون که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضائیه به تفتیش، تحقیق و کشف جرایم و اجرای احکام قضایی و یا سایر مأموریت‌های محوله، مجاز به حمل و بکارگیری سلاح می‌باشند، موظفند به هنگام بکارگیری سلاح در موارد ضروری، کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند.» در تیراندازی‌های نیروهای مسلح، در صورتی که ضوابط و مقررات قانون بکارگیری سلاح رعایت نشده باشد، علاوه بر مسئولیت کیفری (حسب مورد قصاص یا مجازات تعزیری)، مسئولیت مدنی (پرداخت دیه و جبران خسارت‌های مادی و معنوی) نیز مطابق ماده ۴۱ قانون

۲۹۴..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ بر عهده مامور مربوط قرار می‌گیرد. گرچه مطابق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دیه به عنوان مجازات قید گردیده است و لیکن در قانون بکارگیری سلاح با توجه به این که دیه جنبه مدنی نیز دارد، بیشتر با مسئولیت مدنی مطابقت دارد. در تفاوت میان دیه و مجازات، چنانچه دریافت‌کننده دیه را مدنظر قرار دهیم، پرداخت دیه به وی نیاز به درخواست زیان‌دیده دارد. چنانچه دیه مجازات بود، نیازی به درخواست زیان‌دیده نداشت و از بابت جنبه عمومی از سوی مدعی‌العموم قابل تعقیب بود و عفو آن توسط مجنی‌علیه یا اولیای دم امکان‌پذیر نبود. در حالی که می‌دانیم دیه توسط مجنی‌علیه یا اولیای دم قابل اسقاط و گذشت می‌باشد. به علاوه، چنانچه دیه مجازات بود، می‌بایست به خزانه دولت واریز می‌شد. بنابراین، جنبه تاوان و غرامت در پرداخت دیه غالب بوده و از این باب در مقررات مربوط به تیراندازی‌های نیروهای مسلح، لازم است زیان‌دیده دیه خود را مطالبه نماید. همچنین، در مواردی ممکن است تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد و لیکن شخص یا اشخاصی مورد صدمه بدنی قرار گرفته و یا این که کشته شوند که در این صورت، تحت شرایطی پرداخت دیه و جبران خسارت به عهده بیت‌المال یا سازمان مربوط خواهد بود که در زیر به شرح آن می‌پردازیم.

۲-۱. مسئولیت مدنی در تیراندازی‌های غیرقانونی در نظام حقوقی ایران

در تیراندازی‌های غیرمجاز که مامور برخلاف مقررات قانونی، اقدام به استفاده از سلاح نموده است، چنانچه فرد یا افرادی کشته یا مجروح شوند و یا این که خسارات مالی به آنها وارد شود، در صورت شبهه عمد بودن جرح یا قتل و نیز در صورتی که به هر علت در قتل و جرح عمدی، قصاص منتفی شود، مامور علاوه بر مجازات تعزیری که شرح آن گذشت، به پرداخت دیه و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد. پرداخت دیه و جبران خسارت از بابت تقصیری است که به لحاظ عدم رعایت مقررات قانونی داشته است. همچنین، در صورتی که تیراندازی سهوی باشد، نیز علاوه بر مجازات تعزیری موضوع ماده ۸۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مامور مربوطه بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی و مطابق مواد ۴۵۰ و ۴۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ملزم به پرداخت دیه و جبران خسارت خواهد بود. در چنین تیراندازی‌هایی، مسئولیت متوجه ماموری است که برخلاف مقررات، تیراندازی نموده است و سایرین از جمله سازمان مربوطه مسئولیتی ندارد. اما در مواردی ممکن است که مامور در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی نموده باشد. در این فرض نیز چند حالت متصور است: در حالت اول، دستور فرمانده قانونی است و مامور نیز هیچ‌گونه تخلفی از مقررات ننموده است. در این وضعیت، هیچ‌گونه مسئولیتی اعم از کیفری و مدنی متوجه فرمانده و نیز مامور نخواهد بود و در صورتی که

_____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ♦
فرد یا افراد بی‌گناهی مقتول یا مجروح شوند، پرداخت دیه به عهده بیت‌المال (سازمان متبوع) خواهد بود. حالت دوم این که دستور فرمانده غیرقانونی است، ولی مامور بنا به اشتباه قابل قبول آن را قانونی فرض کرده و در نتیجه تیراندازی، فرد یا افرادی کشته یا مجروح شده‌اند. در این حالت، مطابق ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، فقط مسئولیت مدنی (پرداخت دیه و جبران خسارت) به عهده مامور خواهد بود. حالت سوم این که دستور فرمانده غیرقانونی است و مامور نیز از غیرقانونی بودن آن مطلع است. در این صورت، چنانچه جرح یا قتلی واقع شود، مطابق ماده اخیرالذکر، مامور و فرمانده هر دو مسئول هستند و به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند و در خصوص مسئولیت مدنی نیز مسئولیت به عهده مامور خواهد بود. «اطاعت از دستورات فرمانده نمی‌تواند دفاع قانونی تلقی شود. اگر یک افسر پلیس می‌داند که دستور به استفاده از سلاح گرم غیرقانونی بوده و او یک فرصت معقول برای خودداری از اجرای آن دستور داشته باشد، در این صورت، او مسئولیت قانونی حرفه‌ای برای انجام چنین کاری دارد.» (عبدالهی، ۱۳۹۵: ۱۶۷)

۲-۲. مسئولیت مدنی دولت در تیراندازی‌های قانونی در نظام حقوقی ایران

در ایران تا قبل از به بار نشستن نهضت مشروطه‌خواهی و استقرار قوه مقننه و عدالت‌خانه و وضع و تصویب قانون اساسی و قوانین دیگری از جمله قوانین مدنی و کیفری، از آنجایی که قدرت مطلق پادشاه بود و تحت یک حکومت دیکتاتوری، امکان و فرض اشتباه از طرف ایادی خود را منتفی می‌دانست، جبران خسارت از طرف حکومت و یا ماموران انتظامی را مورد پذیرش قرار نداده بودند. قانونگذار در ماده ۳۳۳ قانون مدنی، فرض پذیرش مسئولیت مدنی کلیه افراد ملت را با تصویب این قانون پذیرفت که مطابق آن ماده: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را فراهم کند و دیگری مباشر تلف آن باشد، مباشر مسئول است نه سبب، مگر این که سبب اقوی باشد، به نحوی که اتلاف مستند به او باشد.» عدم صراحت این ماده در خصوص شمول قانون بر دولت و حکومت، دچار سکوت بود و در عمل نیز قضات در آرای خود کمتر رای به محکومیت دولت به جبران ضرر و زیان صادر می‌کردند (وروایی، عباسلو، ۱۳۹۴). در خصوص مسئولیت حقوقی دولت، دیدگاه‌هایی در بین دکترین حقوق مطرح شد که عده‌ای موافق با مسئولیت مدنی دولت و برخی نیز مخالف با این نوع مسئولیت بودند. کسانی که مخالف با مسئول شناختن دولت و حاکمیت بودند، دیدگاه خود را بر دلایلی چند استوار ساخته بودند. از جمله این که حاکمیت منشا الهی دارد و به سبب تقدسی که دارد، نباید مورد بازخواست و مواخذه قرار گیرد. همچنین، اصل حاکمیت و اقتدار دولت و نیز عدم امکان فرض اشتباه از سوی دولت مانع از مسئولیت حاکمیت در مقابل اتباع دولت می‌شود.

۲۹۶..... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

در مقابل، دیدگاهی که موافق با مسئول شناختن دولت و حاکمیت بودند، معتقد بودند که دولت می‌بایست از اتباع خود در مقابل قصور و اشتباهی که مرتکب شده است، حمایت نماید؛ چرا که همه شهروندان در مواردی مانند پرداخت مالیات و مشارکت در تهیه امکانات مورد نیاز جامعه سهیم بوده و در این خصوص حکومت را یاری می‌نمایند. طبیعی است چنانچه اتباع دولت در برابر کوتاهی و قصور عملکرد دولت، ضرر و زیانی متوجه آنها شود، دولت ملزم به جبران خسارت از اتباع خود خواهد بود. علاوه بر این، دولت روز به روز بر دامنه فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... خود می‌افزاید که افزایش این فعالیت‌ها گاهی موجب ورود ضرر و زیان به اتباع خود خواهد شد. بنابراین، به لحاظ آثار زینبار برخی از فعالیت‌ها، دولت نیز همانند شخص حقیقی ملزم به جبران خسارت بوده و سهم او در جبران خسارت از اتباع خود قابل اغماض نیست. (وروایی و عباسلو، ۱۳۹۴)

نتیجه این که طرفداران عدم پذیرش مسئولیت مدنی دولت، با تکیه بر اصل حاکمیت دولت، جبران ضرر و زیان و خسارات وارده از سوی دولت به افراد را نپذیرفته و در مقابل این دیدگاه، موافقان معتقدند که همه افعال دولت در حوزه اعمال حاکمیت قرار نداشته و برخی از فعالیت‌های دولت مربوط به اعمال تصدی است. در واقع، دولت در اعمال تصدی همانند دیگر اشخاص عادی در فعالیت‌های بازرگانی، اقتصادی و صنعتگری و ... اقدام به تجارت و دیگر اعمال اقتصادی می‌نماید. پس طبیعی است که در اعمال تصدی‌گری هیچ‌گونه تفاوتی بین دولت و اشخاص عادی وجود ندارد و دولت مکلف است تا در برابر خسارات ناشی از اعمال تصدی‌گری خود همانند دیگر مردم عادی جوابگو باشد. «از آنجا که اعمال ضابطین دادگستری، جزء اعمال ضروری اجتماعی است که همه افراد جامعه از نتایج حاصل از اقدامات ضابطین در برخورد با جرائم سود می‌برند، بنابراین اشکالی وجود نخواهد داشت که خسارات ناشی از اعمال آنها به عنوان بخشی از هزینه‌ها از بودجه عمومی دولت تامین شود.» (وروایی و عباسلو، ۱۳۹۴: ۶۴)

۳- بررسی مبانی مسئولیت مدنی در تیراندازی‌های پلیس در حقوق کیفری انگلستان

در کشور انگلستان، اصل ضرورت به روشنی پیش‌بینی شده است. این شرط در دعوای HMA Advocate علیه Doherty در رویه قضایی آن کشور بیان شده است. در این دعوی، موارد زیر باید وجود می‌داشت تا اصل ضرورت از آن استنباط می‌شد:

- ۱- باید خطر قریب‌الوقوعی نسبت به زندگی یا اعضای بدن پلیس یا دیگری وجود داشته باشد؛
- ۲- استفاده از قدرت باید در برابر خطری باشد که برای سلامتی پلیس یا دیگری ضروری

چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ❖
باشد؛ به عبارتی، باید هم نسبت به اوضاع و احوال ضروری باشد و هم این که متناسب با تهدید
واقع شده باشد.

بدین ترتیب، می‌بایست هرگونه استفاده از زور و قدرت، معقول و متناسب با اوضاع و احوال
قضیه باشد و سوءاستفاده از قدرت در شرایطی که تیراندازی ضرورتی نداشته است، موجبات
مسئولیت کیفری و مدنی پلیس را به دنبال خواهد داشت. «مرجع تشخیص اوضاع و احوال
معقول و متناسب در لحظه تیراندازی خود مامور است و باید به گونه‌ای باشد که اگر هر شخص
متعارف دیگری در آن شرایط قرار می‌گرفت، اقدام به تیراندازی می‌نمود.» (عبداللهی، ۱۳۹۵: ۴۴)
همچنین، در نظام‌های حقوقی کامن لا و از جمله انگلستان، احکامی وجود دارند که
نشان‌دهنده اثر قاعده تحذیر در این کشورها بوده و در دادرسی‌های این نظام حقوقی موثر است.
به عنوان مثال، در روزنامه تایمز ۲۴ اکتبر سال ۱۹۷۲ در پرونده‌ای قضایی، کاردانی که برای
اداره پست استخدام شده بود تا در کار تعویض شماره‌های تلفن اداره انجام وظیفه نماید. این
شخص از در اتاق آسانسور، که بیشتر مواقع بسته بوده و بر روی آن اخطاری با مضمون «فقط
متصدی صلاحیت‌دار آسانسور حق ورود به این آسانسور را دارد» به قصد رفتن پشت‌بام برای
استراحت و هواخوری وارد شده و به محض ورود به آن قسمت، در حفرة‌ای که زیر پایش باز
شده، سقوط نموده و کشته شده است. خانواده‌اش با این استدلال که اداره پست طبق قواعد
کامن لا مرتکب بی‌احتیاطی شده است و برابر ماده ۱۶ قانون «محوطه ادارات و دکان‌ها و
راه‌آهن مصوب ۱۹۳۶» مکلف بوده تا ساختمانی استوار در اختیار کارکنان خود قرار دهد،
درخواست محکومیت خوانده به پرداخت خسارت را نموده است. دادگاه استیناف انگلستان، دعوی
خواهان را به این دلیل که از لحاظ کامن لا، اداره پست تصور نمی‌کرده که متوفا بدون هیچ نوع
وظیفه‌ای وارد اتاق آسانسور شود و با وجود هشدار صریح خوانده به ورود اشخاص ناوارد به آن
محوطه، توجه نکرده و خود مرتکب بی‌احتیاطی شده است و نیز مطابق قانون ۱۹۳۶، متوفا برای
انجام کار در اتاق آسانسور استخدام نشده بود و در این موقعیت، رهگذری معمولی محسوب
می‌شده است و بنابراین، هیچ گونه غفلی از طرف خوانده به عمل نیامده است تا مستوجب
پرداخت غرامت شود، دعوای خواهان را مردود اعلام نمود. (پراون، ۱۹۸۹)

بنابراین، در نظام حقوقی بریتانیا نیز این اصل قابل استخراج است که هرگاه شخصی بدون
توجه به اخطار و هشدار دیگری، خود را در معرض خطر قرار دهد و از این نظر خسارتی به وی
وارد شود، هشداردهنده معذور بوده و مسئولیتی متوجه او نیست و مصدوم و خسارت‌دیده نیز باید
خسارات احتمالی وارده به دیگران را نیز جبران نماید.
علاوه بر این، اصل تناسب در تیراندازی‌ها بیان‌کننده این است که اقدام مضطر در توسل به

۲۹۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷
قاعده اضطرار در ارتکاب اعمال مجرمانه می‌بایست در حد ضرورت بوده و متناسب با اوضاع و احوال اضطرار باشد. به عبارتی، می‌بایست حدود تناسب جرم با خطر موجود رعایت شود. این اصل در حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز از جمله اصول مورد قبول و موافق با حقوق بشر شناخته می‌شود. در مواد ۱۴ تا ۱۶ «کد لیبر» تصریح گردیده که استفاده از زور علیه اشخاص تا آنجا مجاز است که ضروری باشد.

اصل تناسب در مواردی مانند ماده ۲۳ مقررات لاهه و همچنین بند ب و بند ۵ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی مورد تاکید قرار گرفته است. این اصول کلی مبنای بسیاری از قواعد خاص حقوق بشردوستانه است که در حقوق انگلستان رعایت می‌گردد، مانند ممنوعیت استفاده از تسلیحات و ابزارهای جنگی که ممکن است باعث رنج غیرضروری شوند و نیز ممنوعیت تخریب غیرضروری اموال و این که حتی حمله به اهداف نظامی در صورتی که به تلفات غیرنظامی شدید یا آسیب شدید به اهداف غیرنظامی منجر شود، ممنوع است.

اهمیت اصل تناسب و ضرورت به اندازه‌ای است که هیچ یک از قوانین دولت‌های عضو به آن بی‌توجه نبوده و به صراحت آن را در قوانین داخلی خود رعایت نموده‌اند. در کامن لا در مجموعه قوانین خدمات پلیس ایرلند شمالی (۲۰۰۸) و مقررات پلیس اسکاتلند (۱۹۹۶)، این اصل به روشنی در تدوین مقررات رعایت شده است. بنا بر قوانین مزبور، وقتی که لازم است پلیس برای دسترسی به اهداف قانونی (مانند دستگیری قانونی، دفاع مشروع از خود یا دیگری) از زور استفاده نماید، میزان استفاده از این قدرت می‌بایست متناسب با اوضاع و احوال معقول باشد. معیارهای اوضاع و احوال معقول عبارتند از: ۱- آیا استفاده از زور و فشار قانونی است؟ به عبارتی، آیا با معیارهای ذکر شده در کامن لا مطابقت دارد؟ ۲- آیا سایر اختیارات قبل از استفاده از زور در نظر گرفته شده است؟ ۳- چرا این اختیارات مورد استفاده قرار نگرفته است؟ ۴- آیا شیوه اعمال زور و فشار مطابق با رویه‌ها و آموزش‌های پلیس بوده است؟
بنابراین، مواردی مانند معقول بودن و استفاده از دیگر اختیارات قبل از اعمال قدرت و فشار و لزوم استفاده از سلاح بیانگر اصل تناسب در تیراندازی‌های پلیس انگلستان می‌باشد. (عبداللهی، ۱۳۹۵)

در حقوق انگلستان، توجه به اصول اساسی مدون در قواعد لازم‌الرعایه سازمان ملل مدنظر قرار گرفته و به همین لحاظ، افسران پلیس که سلاح حمل می‌کنند، نه تنها سلاح عرفی و معمول به همراه دارند، بلکه انواع تجهیزات و سلاح‌های غیرکشنده و مهمات را در اختیار دارند تا میزان استفاده از قدرت به کمترین میزان خود تنزل یافته و اصل تناسب در استفاده از سلاح به خوبی در این کشور رعایت می‌گردد.

امروزه، رعایت مسائل حقوق بشری و توجه به اهمیت کرامت انسانی در قانونگذاری از

_____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ♦

ویژگی خاصی برخوردار است. با توجه به بحث جهانی‌شدن حقوق، موضوع انسانیت و رعایت کرامت و حقوق انسان‌ها محدود به زمان و مکان خاصی نبوده و اصول بنیادین حقوق بشری می‌بایست در همه حال رعایت گردد. (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۲)

کشوری مانند انگلستان با توجه به پایبندی به اساسنامه‌ها و اعلامیه‌های حقوق بشر سازمان ملل، تمایل به جهانی‌شدن خود را در مقررات مربوطه به خوبی نشان داده است. اندیشه‌های مربوط به حقوق و کرامت انسانی و رعایت حقوق بشر در پیدایش قواعد و نظام‌های جدید حقوقی نقش بسیار مهمی دارد. با توجه به پایبندی انگلستان به اسناد و حقوق بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا ترذیلی، کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی و رفع تبعیض نژادی و منع مجازات آپارتاید، دامنه‌ی قوانین مرتبط با حقوق و کرامت انسانی را در این کشور، رشد فراوانی بخشیده است.

در عین حال، بریتانیا دارای نظام حقوقی واحد و یکپارچه‌ای نیست. انگلستان و ولز نظام مشترکی دارند، اسکاتلند و ایرلند شمالی هم نظام حقوقی مستقلی دارند. منبع اصلی حقوق در انگلستان، قوانین مصوب پارلمان است. اما این قوانین باید مطابق با حقوق جامعه اروپا باشد. در صورت تعارض میان این دو دسته از قوانین، دادگاه‌ها باید حقوق جامعه اروپا را حاکم بدانند. حقوق جامعه اروپا که در بریتانیا حاکم است، ناشی از معاهدات اتحادیه اروپا، قوانین مصوب آن و تصمیمات دیوان دادگستری اروپا است. دیوان دادگستری اروپا بالاترین مرجع در صدور حکم نسبت به امور حکمی در جامعه اروپا است.

۳-۱. مسئولیت مدنی پلیس در تیراندازی‌ها در حقوق کیفری انگلستان

پلیس انگلستان همانند سایر سازمان‌های نظامی و انتظامی در کشورهای دیگر وظیفه تامین نظم و امنیت شهروندان و جلوگیری از سلب امنیت و آسایش عمومی آنان را عهده‌دار می‌باشد. در مواردی ممکن است اجرای دستورات قضایی اشتباه و یا دستورات فرماندهان و یا این که اشتباه پلیس در تیراندازی‌ها و یا موارد تعقیب متهم و ... موجب ورود ضرر به شهروندان بی‌گناه گردد. در چنین مواردی، با توجه به این که شهروندان جامعه در پناه قانون می‌بایست حقوق آنها تضمین شده باشد، وظیفه دولت و یا پلیس قاصر هست که از عهده ضرر و زیان وارده برآید. به عبارتی، در مواردی ممکن است مامور به لحاظ عدم رعایت مقررات قانونی مقصر شناخته شده و ملزم به جبران خسارت از زیان‌دیده باشد و نیز ممکن است اشخاص ثالث و دخیل در ماجرا این مسئولیت را عهده‌دار شوند و یا این که خود زیان‌دیده مقصر شناخته شده و مسئولیت از عهده پلیس یا سازمان حقوقی پلیس ساقط شود و نیز ممکن است این مسئولیت متوجه شخصیت

۳۰۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷
حقوقی پلیس گردد. به همین لحاظ، در زیر به شرح موارد مختلف مسئولیت مدنی در خصوص
تیراندازی‌ها و وظایف پلیس می‌پردازیم.

در مواردی ممکن است پلیس به دلیل اشتباهی که مرتکب شده است، مکلف باشد که از
زبان‌دیده جبران خسارت نماید. یکی از این موارد، مسئولیت مدنی ناشی از تعقیب و گریز است.
پلیس در اجرای ماموریت‌های خود ممکن است اقدام به تعقیب متهمین بخصوص در جرائم
مشهود نماید. در این گونه موارد، چنانچه در تعقیب و گریز حادثه‌ای رخ دهد، در صورت تقصیر
از جانب پلیس، محکوم نمودن وی به جبران خسارت محتمل خواهد بود. لازم است در این گونه
موارد، پلیس مجاز به تعقیب باشد و چنانچه پس از اخطارهای لازم، متهم به فرار خود ادامه داده
و در این تعقیب و گریز دچار خسارت گردد، در صورت عدم تقصیری از سوی پلیس، هیچ گونه
مسئولیتی نخواهد داشت. به عنوان مثال، چنانچه وسیله نقلیه شخص تحت تعقیب به علت
شتابزدگی واژگون شود یا شخص در حال فرار به علت پریدن از روی دیوار آسیب ببیند، عدم
مسئولیت مامور در این مورد را می‌توان بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی توجیه نمود. در این
مثال، تعقیب و گریز زمینه‌ساز حادثه زیانبار شده و نقش مستقیمی در آن ندارد؛ بنابراین، نقش او
تحت عنوان سبب قابل طرح است، ولی با توجه به این که فعل انجام شده غیرمجاز نبوده است،
بنابراین، تقصیری متوجه مامور نبوده و نمی‌توان او را به عنوان سبب مسئول دانست. در این
گونه حوادث نیز با توجه به این که مشمول قاعده اتلاف نمی‌گردد، به لحاظ این که اتلاف رابطه
مستقیم با حادثه زیانبار دارد و فعل مامور به طور غیرمستقیم موجب خسارت شده است، مامور
مربوطه مسئولیتی نخواهد داشت. اما چنانچه مامور، مجاز به تعقیب نبوده و به صرف ظن اقدام
به تعقیب و گریز نماید، محکوم نمودن وی به جبران خسارت به عنوان سبب، امکان‌پذیر خواهد
بود. به عبارتی، در جایی که مامور، اقدام به تعقیب شخصی به صورت غیرمجاز نماید و به این
علت، موجب حادثه زیانبار گردد، مسئول خواهد بود؛ زیرا فعل وی مشمول قاعده تسبیب
می‌گردد. (وروایی و عباسلو، ۱۳۹۴)

باید توجه داشت که پلیس به طور مطلق مسئول اجراء و برقراری نظم نمی‌باشد، بلکه اجرای
نظم توسط آنها می‌بایست در چارچوب قانون باشد. به همین دلیل، قانونگذار مواردی را که پلیس
مجاز به تعقیب می‌باشد را احصاء نموده و تخطی از این مقررات موجب مسئولیت خواهد بود.
همچنین، پس از دستگیری متهم توسط پلیس، هرگونه صدمه به وی علاوه بر مسئولیت
کیفری، موجب مسئولیت مدنی نیز خواهد بود. به عنوان مثال، پلیس حق ندارد که علیه فرد
دستگیر شده از زور استفاده نماید. در حقوق کامن‌لا، ضمن این که پلیس حق ندارد که علیه
فرد دستگیر شده از زور استفاده نماید، باید نامبرده را از حقوق اساسی خود آگاه نماید. از جمله
این حقوق، می‌توان حق سکوت و حق استفاده از وکیل را نام برد. بدون رعایت این حقوق،

_____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ❖

پلیس حق بازجویی از متهم را ندارد.

گاهی نیز ممکن است که فعل شخص ثالث موجب بروز حادثه‌ای اجتناب‌ناپذیر برای پلیس گردد. به عنوان مثال، چنانچه متهمی در جرایم مشهود تحت تعقیب پلیس قرار گرفته و به صورت ناگهانی وسیله نقلیه خود را متوقف نماید و پلیس برای احتراز از برخورد با آن خودرو با اتومبیل شخص دیگری برخورد نماید، در این صورت، اقدام انجام گرفته توسط متهم به عنوان فعل شخص ثالث رافع مسئولیت مدنی پلیس بوده و شخص ثالث در قبال خسارات و صدمات وارده به زیان‌دیده، مسئول شناخته می‌شود. فرض دیگر در خصوص موضوع مسئولیت مدنی، وقتی است که زیان‌دیده خود در ایجاد خسارت سهیم باشد. به عبارتی، گاهی ممکن است زیان‌دیده خود در حادثه دخالت داشته باشد که در این صورت، تقسیم مسئولیت به تناسب میزان تقصیر خواهد بود. در نظام حقوقی انگلستان، بر اساس بند ۱ قانون اصلاحی تقصیر اشتراکی سال ۱۹۴۵، هرگاه کسی متحمل خسارتی گردد که تقصیر خود او نیز در ایجاد خسارت سهیم باشد، دعوی مطالبه خسارت به دلیل تقصیر زیان‌دیده رد نمی‌شود، لیکن تا حدی که دادگاه آن را عادلانه و متناسب با تقصیر خواهان تشخیص دهد، قابل مطالبه خواهد بود. (هارپوود، ۲۰۰۴)

مواردی ممکن است مسئولیت مدنی از عهده پلیس ساقط گردد؛ به عنوان مثال، چنانچه پلیس، دستور مقامات قضایی را با اعتقاد به این که معتبر و صحیح است، با حسن نیت اجرا نماید، ولی بعداً مشخص شود که دستور مزبور ناقص یا فاقد اعتبار است، موجب مسئولیت پلیس نمی‌گردد و مسئولیت به عهده فردی است که دستور غیرقانونی را صادر نموده است و باید از عهده خسارت برآید.

همچنین، ممکن است که مسئولیت مدنی پلیس ناشی از کوتاهی در حمایت از افراد باشد. پلیس وظیفه دارد که از افراد جامعه خود به جهت قدرتی که دولت به او داده است، حمایت نماید. چنانچه پلیس از انجام این وظیفه خودداری نموده و این ترک فعل موجب ورود خسارت به دیگری گردد، مسئولیت جبران خسارت بر عهده او مستقر خواهد شد. به عنوان مثال، عدم کمک پلیس به شهروندی که در معرض ارتکاب جرم توسط دیگری قرار گرفته است که در این مورد، پلیس یا خود شاهد ارتکاب عمل مجرمانه بوده و یا این که فردی که در معرض ارتکاب جرم قرار گرفته است، از وی استمداد نموده، ولی پلیس از اقدام لازم یا به موقع اجتناب نموده باشد؛ هرچند جانی به عنوان فاعل فعل زیانبار در مقابل زیان‌دیده مسئول است، اما به جهت این که مامور وظیفه داشته که بلافاصله اقدام لازم را بعمل آورد، مسئولیت جبران خسارت وارده را به لحاظ ترک فعل به عهده خواهد داشت. پلیس و جانی در این مورد مسئولیت مدنی تضامنی خواهند داشت.

در مواردی نیز پذیرش خطر توسط زیان‌دیده مانع از جبران خسارت توسط پلیس می‌گردد.

۳۰۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، زمستان ۱۳۹۷

به عبارتی، چنانچه زیان‌دیده در موردی به زیان خود عمل نموده و با این که می‌دانسته یا احتمال می‌داده که خطری متوجه اوست و با این حال، با وجود استطاعت در احتراز از خطر، به استقبال آن خطر رفته و متحمل ضرر و زبانی گردد، پلیس هیچ گونه مسئولیتی از این بابت نخواهد داشت. در حقوق ایران، این موضوع تحت عنوان قاعده اقدام بوده و یکی از مسقطات ضمان می‌باشد. این قاعده در حقوق انگلستان تحت عنوان «پذیرش خطر» معروف است و یکی از عوامل رافع مسئولیت است. به عنوان مثال، وقتی فرد مظنون از تعقیب پلیس فرار نموده و در اثر این فرار، خسارتی به او وارد شود، در این صورت، خطر ناشی از خسارات و صدمات را پذیرفته و نمی‌تواند از پلیس مطالبه خسارت نماید.

در مجموع، در حقوق کامن لا، پذیرش خطر یک دفاع تلقی می‌شود و خواهان را از مطالبه خسارت علیه مرتکب فعل زیانبار منع می‌کند. البته در این مورد، خواننده باید اثبات نماید که خواهان با اراده و با وجود آگاهی از خطر، بر علیه خود اقدام نموده است.

۲-۳. مسئولیت مدنی دولت و سازمان پلیس در تیراندازی‌های قانونی در انگلستان

در برخی از موارد، سازمان متبوع مامور، مسئولیت مدنی در قبال رفتار ماموران خود دارد. با توجه به ضرورت جبران خسارت زیان‌دیده و با توجه به این که پلیس در مقام انجام وظیفه، عملی را انجام می‌دهد که بدون تقصیر او، موجب خسارت به دیگری می‌شود، در این صورت، مسئولیت ناشی از آن به عهده دولت است. در کامن لا، مسئولیت مدنی پلیس بر اساس نیابت به سازمان پلیس انتقال می‌یابد. مقصود از مسئولیت نیابتی، مسئولیت ناشی از فعل غیر است که به علت رابطه کاری به کارفرما تحمیل می‌گردد. «در موردی که افسر پلیس خارج از حوزه ماموریتش که خودش را پلیس معرفی نمود و جهت یک امر شخصی، فردی را مورد تهاجم قرار داده و این حادثه منجر به مصدوم شدن زیان‌دیده گردید، سازمان پلیس به عنوان کارفرما مسئول شناخته شد.» (هارپوود، ۲۰۰۴: ۳۲۲)

در برخی کشورهای حوزه کامن لا سازمان متبوع، شخص وقتی مسئول شناخته می‌شود که اقدامات اعضایش قانون ارتکاب قتل توسط اشخاص حقوقی مصوب ۲۰۰۷ را نقض کند. به موجب این قانون، در انگلستان، ولز و ایرلند شمالی، این جرم *corporate manslaughter* و در اسکاتلند *corporate Homicide* نامیده می‌شود. بر اساس بخش یک این قانون، یک سازمان یا نهاد در صورت وجود شرایط زیر در قبال اقدامات اعضایش، متهم شناخته می‌شود:

۱- سبب مرگ شخصی بشوند؛

۲- منتهی به نقض وظایف مربوطه باشد که به وسیله آن تعهد شده است.

_____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ❖
آنها توسط مامورانشان سبب نقض موارد فوق باشد. به موجب بند ۲ ماده قانون فوق، یک نهاد یا سازمان شامل مواردی همچون شرکت‌ها، نیروی پلیس، واحدهای تجاری و ... می‌شود. این قانون در ۶ آوریل ۲۰۰۶ اجرا گردید و شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ را در صورتی که قصور آنها در ایجاد شرایط ایمنی و سالم منجر به مرگ و جراحت شود، دارای مسئولیت کیفری می‌داند. بر اساس این قانون، در صورت قصور، سازمان مربوطه ممکن است به جزای نقدی نامحدود محکوم شود. علاوه بر این، دادگاه می‌تواند قرار صادر نماید که به موجب آن سازمان پلیس باید جزئیات محکومیت و جزای نقدی‌اش را در یک روزنامه منتشر کند. بنابراین، احراز تقصیر یا قصور جهت محکوم نمودن سازمان شرط است. در غیر این صورت، مامور چنانچه به عمد یا غیرعمد تیراندازی کند، بر اساس قصدی که داشته است، مسئولیت کیفری خواهد داشت و چنانچه تقصیر یا قصور سازمان احراز شود، علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی از بابت ضرر و زیان خواهد داشت. (عبدالهی، ۱۳۹۵)

در قوانین کشورهای انگلستان، ولز، ایرلند شمالی و اسکاتلند از جمله در قانون ارتکاب قتل توسط اشخاص حقوقی مصوب ۲۰۰۷، در صورتی که سازمان حقوقی و از جمله پلیس، متهم به تقصیر یا قصور موجب قتل، شناخته شود، دادگاه قرار جبران خسارت نیز صادر خواهد کرد. به موجب قرار صادره، سازمان پلیس باید اقداماتی در جهت جبران خسارت انجام دهد. به موجب بخش ۹ از این قانون، قرار جبران خسارت توسط دادگاه در موارد زیر صادر می‌شود:
- در رابطه با هر موضوعی که به نظر دادگاه قصور مرتبط با سازمان بوده و علت مرگ بوده است.

- هرگونه نقص یا کمبود در مسائل ایمنی و بهداشتی با توجه به رویه‌ها و سیاست‌های سازمان که ناشی از قصور آن سازمان بوده و به نظر دادگاه یک قرینه باشد.
- این قرار ممکن است به درخواست دادستان که شرایط آن را نیز پیشنهاد داده است، توسط دادگاه صادر شود. همچنین به موجب بند ۲ از بخش ۹ قانون مزبور، دادگاه ممکن است در این قرار مقرر بدارد که سازمان پلیس مکلف است که در یک دوره معین دلایلی ارائه کند که اقداماتی در جهت اجرای قرار صورت گرفته است. همچنین، بر اساس بخش ۱ آن قانون، در هر مورد که سازمان مرتکب قصوری شده باشد و در نتیجه آن، شخص یا اشخاص بی‌گناهی کشته یا مجروح شوند، سازمان مزبور مسئولیت مدنی خواهد داشت. در این خصوص، تفاوتی میان تیراندازی عمدی یا سهوی مامور نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

در نظام پلیسی ایران، افسران و درجه‌داران و ضابطان قضایی و فرماندهان صفی به سلاح گرم در هنگام انجام وظایف قانونی، مسلح هستند. از آنجایی که وجود سلاح در دست این گونه افراد قدرت کاذبی به آنها می‌بخشد که در همه حال خود را محق می‌دانند، از این بابت می‌بایست در مقررات کیفی ایران، پلیس ویژه‌ای به این امر اختصاص داده شده و فقط در موارد ضروری و خطرناک برای امنیت جامعه در هنگام اعزام به ماموریت، سلاح در اختیار آنان قرار داده شود. در نظام حقوقی ایران، موارد مجاز تیراندازی بسیار وسیع بوده و این مقررات موجب شده است تا به واسطه در معرض خطر قرار گرفتن حق حیات و کرامت انسانی، از دید مجامع بین‌المللی، مقررات مربوط به تیراندازی پلیس وجهه مطلوبی نداشته و نیاز به بازنگری و اصلاح جدی و مطابقت قانون با حقوق اساسی و کنوانسیون‌های حقوق بشری دارد. بر عکس، در حقوق انگلستان موارد مجاز تیراندازی بسیار محدود بوده و پابندی مقررات انگلستان به کنوانسیون‌های حقوق بشری موجب شده است تا در مقررات مربوط به تیراندازی، این اصل را رعایت نموده که تیراندازی فقط در جایی مجاز است که کرامت و حقوق بشر و حق حیات دیگری توسط مهاجم به خطر بیفتد. از آنجایی که تیراندازی به لحاظ خطر نهفته در آن، با جان انسان‌ها سر و کار دارد، می‌بایست فقط در موارد مشخص و معینی کاربرد داشته باشد و سیاست جنایی کشورها نیز می‌بایست بر مبنای جلوگیری از سلب حق حیات انسان‌ها صورت گرفته و قوانین داخلی خود را بر این مبنا قرار دهند. ایران نیز به برخی از اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (۱۳۴۵/۹/۲۵) مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیوسته است که حق حیات در ماده ۶ آن مورد تاکید قرار گرفته و به موجب بند ۲ ماده ۶ اجرای مجازات بدون حکم قطعی دادگاه صالح مورد نهی قرار گرفته است. همچنین القای تفکر پلیس جامعه‌محور در ارتقای فرهنگ خود پلیس موجب کاهش استفاده از سلاح و تیراندازی خواهد شد. به این ترتیب، قانونگذار می‌تواند با بکار بردن اصلاحاتی در رویه قانونگذاری خود و استفاده از ظرفیت‌های مردمی و ویژه نمودن پلیس مسلح، از توانمندی جامعه در تدوین قانون استفاده نماید تا از تیراندازی‌های ناخواسته جلوگیری، تا مواردی که پلیس یا سازمان مربوط، ناچار به پرداخت دیه و جبران خسارت می‌شود، کاهش یابد. بنابراین، مقررات نظام حقوقی انگلستان در تجویز حمل سلاح توسط اقلیتی از نیروهای پلیس آموزش‌دیده و محدود بودن موارد مجاز تیراندازی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی قابل‌الگو برداری برای اصلاح مقررات بکارگیری سلاح برای حقوق‌کشورهایی مانند ایران خواهد بود. نکته دیگر قابل ذکر این است که در مقررات کشورهای دیگر به تحقیقات محققین اهمیت داده شده و نتیجه این تحقیقات بر رویکرد نظام حقوقی آنها موثر است و لیکن در حقوق ایران متأسفانه توجه چندانی به نتیجه تحقیقات محققان

_____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ♦
نمی‌شود. همچنین، در جهت شفاف‌سازی موارد پرداخت دیه و جبران خسارت از اشخاص لازم است در نظام حقوقی ایران بازنگری صورت گرفته و ضمن هماهنگی میان قوانین مختلف در این خصوص، قانونگذار از بکار بردن واژه‌ها و عبارات مبهم خودداری نماید. مقررات تیراندازی توسط پلیس انگلستان از این نظر که توسط یک مرجع پلیسی وضع می‌گردد، دچار نقص است و لازم است این مقررات توسط قوه قانونگذاری تدوین گردد. علاوه بر این، مجاز بودن مردم عادی در حمل سلاح در حقوق انگلستان تهدیدی جدی علیه مردم آن کشور بوده و حمل سلاح توسط مردم عادی در کشور ایران که نیاز به مجوز دارد، از موارد برتری نظام حقوقی ایران در مقابل انگلستان در این خصوص می‌باشد. بنابراین، لازم است تا قوانین مربوط به تیراندازی پلیس در ایران اصلاح و بازنگری شده و موارد مجاز تیراندازی محدود به حفظ جان مامور و یا شهروندان گردد تا بدین وسیله بسیاری از ابهامات مربوط به ضمان و مسئولیت مدنی و کیفری نیز ضابطه‌مند شود.

منابع

الف: منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۵). **درآمدی بر پیشگیری از جرم**، تهران، بنیاد نشر میزان، چاپ اول.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ سی و چهارم.
- افراسیابی، علی (۱۳۹۴). **اختیارات قانونی پلیس در کاربرد سلاح گرم (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و انگلستان)**، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹.
- الیوت، کاترین و کوین، فرانسس (۱۳۸۶). **کریمینال لا**، ترجمه روح‌الله فروزش و راحله قنبری، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ دوم.
- یاریکو، علی رضا (۱۳۸۵). **مسئولیت مدنی**، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- باهری، محمد (۱۳۸۹). **نگرشی بر حقوق جزای عمومی**، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ سوم.
- پانچ، موریس (۱۳۹۷). **تیراندازی در نظام پلیسی بریتانیا**، ترجمه خسرو طوسی، تهران، انتشارات معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا، چاپ اول.
- جاوید، محمدجواد و شاه‌مرادی، عصمت (۱۳۹۵). **حقوق شهروندی در نظام قضایی**، نشر مخاطب، چاپ اول.
- حسینی، سید رضا (۱۳۹۴). **بررسی علمی و کاربردی مقررات بکارگیری سلاح**، نشر میزان، چاپ دوم.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۳). **سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- خالقی، علی (۱۳۹۴). **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، انتشارات شهر دانش، چاپ بیست و هشتم.
- خالقی، علی (۱۳۹۵). **نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری**، انتشارات شهر دانش، چاپ هشتم.
- داراب‌پور، مهرباب (۱۳۸۷). **اصول کلی مسئولیت مدنی در سیستم حقوقی انگلستان**، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۴۴ و ۴۵.
- راترز، هوارد (۱۳۸۸). **پلیس و استفاده از قدرت**، ترجمه وحیدرضا میرزائیان، تهران، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). **کرامت انسانی در حقوق کیفری**، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ساک کیتی شیبازری، کریانگ (۱۳۹۲). **حقوق بین‌الملل کیفری**، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۸۸). **حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها**، انتشارات خرسندی، چاپ پنجم.

- _____ چالش‌های فراروی مسئولیت اشخاص حقوقی در تیراندازی ماموران مسلح در ... ❖
- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۲). **درآمدی بر شهروندی جهانی**، تهران، بنیاد حقوقی نشر میزان، چاپ اول.
- شعاریان، ابراهیم و جباری، منصور (۱۳۸۸). **پلیس و مسئولیت مدنی**، چاپ اول، تبریز، نشر فروزش.
- شمعی، محمد (۱۳۹۷). **درآمدی بر جرم‌انگاری و جرم‌زدایی**، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- عبدالهی، افشین (۱۳۹۵). **تیراندازی در حقوق ایران، روسیه و انگلستان**، معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا، چاپ اول.
- غلامی، حسین (۱۳۹۲). **حقوق جزای نظامی - تطبیقی**، نشر میزان، چاپ اول.
- قاسم‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۱). **ضابطین قوه قضاییه و وظایف آنها**، چاپ اول، تهران، نشرافق امید.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). **الزام‌های خارج از قرارداد**، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). **الزام‌های خارج قرارداد**، تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ سوم، جلد دوم.
- محقق‌داماد، سید مصطفی (۱۳۷۴). **قاعده تحذیر (نقش هشدار در رفع مسئولیت)**، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۵، سال دوم.
- مالمیر، محمود (۱۳۸۹). **شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح**، نشر دادگستر، چاپ سوم.
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۳). **در پیشگاه قاضی**، انتشارات جاودانه، چاپ اول.
- نقیبی، سید ابوالقاسم و شیروانی، خدیجه (۱۳۹۵). **پذیرش خطر در حقوق انگلیس**، دانشگاه شهید مطهری.
- وروایی، اکبر و عباسلو، بختیار (۱۳۹۴). **مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری**، معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا، چاپ اول.
- یزدانیان، محمدرضا (۱۳۹۰). **قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در نظم حقوقی کنونی**، نشر میزان، چاپ اول.

ب: منابع لاتین

- Harpwood, v (۲۰۰۹). **Modern tort law**, London New York.
- Prosser, W. L (۱۹۷۸). **Law of torts**.
- Stuhmcke, A (۲۰۰۱). **Essential tort law**, Sydney, N. S. London: Cavendish.